



بررسی تاثیر همزمان سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد در ایران

مهدی جعفری^۱، سیدجواد عمادی^۲، اسماعیل رمضان پور^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

چکیده:

سیاست‌های مناسب مالی و پولی از مسیرهای مختلف بر نابرابری درآمد تاثیر می‌گذارند و این رابطه هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم در مطالعات تجربی متعددی مورد تایید قرار گرفته است. اجرای سیاست‌های نامناسب مالی و پولی آثار زیان‌بار غیرقابل جبرانی بر نابرابری‌های درآمدی به دنبال خواهد داشت. بنابراین، تعیین مسیر سازگار برای ترکیب سیاست‌های مالی و پولی، آثار خارجی و اثرات ناسازگار ناشی از اجرای سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد به حداقل می‌رساند. بنابراین طراحی و اجرای سیاست‌های پولی و مالی سازگار جهت کاهش نابرابری درآمد ضروری به نظر می‌رسد. لذا این مطالعه به دنبال بررسی تاثیر همزمان سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد در ایران طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۵۷ با استفاده از روش ARDL است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد در کوتاه مدت و بلندمدت، چنانچه میزان حجم پول، نرخ تورم، نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار، نرخ ارز و مخارج دولت افزایش یابد، نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد و افزایش درآمدهای مالیاتی سبب کاهش نابرابری درآمدی گردیده است. هم‌چنین قدرت تعدیل مدل برابر با ۵۹ درصد است.

کلید واژه: نابرابری درآمدی، سیاست مالی، سیاست پولی.

طبقه‌بندی JEL: E62, E52, D33

^۱ استادیار موسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول). ایمیل: mahdi.jfr@gmail.com

^۲ مدرس دانشگاه راهبرد شمال، دانش آموخته اقتصاد مالی دانشگاه مفید، رشت، ایران. ایمیل: j.emadi.p@gmail.com

^۳ استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. ایمیل: j.emadi.p@gmail.com

مقدمه

افزایش نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته، دغدغه اصلی سیاست‌گذاران و اقتصاددانان در این کشورها است (دراقی^۱، ۲۰۱۶). زیرا، نه تنها نابرابری باعث بی‌ثباتی سیاسی در جوامع می‌گردد (تقی‌زاده حصارى و همکارانش^۲، ۲۰۱۸)؛ بلکه مانع مهمی در برابر افزایش رشد اقتصادی مستمر و باثبات است. بنابراین اهمیت توزیع درآمد در جامعه به حدی است که تقریباً تمامی اقتصاددانان یکی از اهداف و وظایف عمده‌ی دولت را توزیع مناسب درآمد ذکر می‌کنند (عصاری آرنی و همکاران، ۱۳۸۸).

محققان دلایل مختلفی نظیر فناوری (بوند و جانسون^۳، ۱۹۹۲)، جمعیت (کاراهان و اوزاکان، ۲۰۱۳)، جهانی‌شدن (فورسری و همکاران^۴، ۲۰۱۶) و ساختار بازار کار (جاموتو و بیترون^۵، ۲۰۱۵) برای گسترش نابرابری درآمدی اشاره کرده‌اند؛ اما موضوع اصلی، نقش و عملکرد سیاست‌های مالی و پولی در کاهش نابرابری‌های درآمدی است (گالو و ساگالز^۶، ۲۰۱۳)، زیرا سیاست‌های مناسب مالی و پولی از مسیرهای مختلف بر نابرابری درآمد تأثیر می‌گذارند و این رابطه هم به طور مستقیم (یارانه و مالیات، تورم و اعتبارات بانکی) و هم به طور غیرمستقیم (توزیع مجدد پس‌انداز، ناهمگنی درآمد، ترکیب درآمد، پرتفوی دارایی، قیمت مسکن، نرخ بهره، تغییر قیمت دارایی‌ها و هزینه‌های دولت) در مطالعات تجربی متعددی مورد تأیید قرار گرفته است (پروین و طاهری فرد، ۱۳۸۷). واکنش متقابل میان سیاست‌های پولی و مالی (صرف‌نظر از وجود استقلال یا وابستگی میان این دو سیاست) باعث ایجاد پیامدهای خارجی (بیکاری و تورم) و نااطمینانی در نتایج اعمال این سیاست‌ها خواهد شد (عمادی و همکاران، ۱۳۹۸)، در نتیجه نابرابری درآمدی افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، اجرای سیاست‌های نامناسب مالی و پولی آثار زیان‌بار غیرقابل جبرانی بر گسترش نابرابری‌های درآمدی به دنبال خواهد داشت. بنابراین، تعیین مسیر سازگار برای ترکیب سیاست‌های مالی و پولی، آثار خارجی و اثرات ناسازگار ناشی از اجرای سیاست‌های پولی و مالی بر توزیع درآمد به حداقل می‌رساند. لذا تعیین و ترکیب بهینه سیاست‌های مالی و

پولی برای کاهش نابرابری‌های فزاینده درآمدی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. در ایران علی‌رغم تدوین و اجرای سیاست‌های مختلف به نظر می‌رسد هم‌چنان با معضل نابرابری فزاینده درآمد و عواقب ناشی از آن در سطح کشور درگیر هستیم (صادقی و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از دلایل عدم کارایی این سیاست‌ها عدم هماهنگی و ناسازگاری آن‌ها با یکدیگر است. بنابراین طراحی و اجرای سیاست‌های پولی و مالی سازگار جهت کاهش نابرابری درآمد ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به این‌که مطالعه جامعی در ایران به بررسی تأثیر همزمان سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد در ایران نپرداخته است. لذا این مطالعه به دنبال بررسی تأثیر همزمان سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد در ایران طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۵۷ است. در ادامه به ارائه مبانی نظری، پیشینه تحقیق در خصوص تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد پرداخته و سپس به ارائه مدل و تجزیه و تحلیل نتایج تخمین پرداخته می‌شود و در پایان نیز جمع‌بندی و پیشنهادها ارائه شده است.

مبانی نظری

ادبیات اثرات توزیعی سیاست‌ها دارای سه مرحله بوده است. مرحله اول، در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ اقتصاددانان و سیاست‌گذاران رشد و صنعتی شدن را کلید کاهش فقر می‌دانستند، اما به پیامدهای توزیعی آن توجه زیادی نداشتند. مرحله دوم، از اواسط دهه ۱۹۵۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ بر تضاد میان رشد و توزیع و دخالت دولت برای مدیریت فرایند رشد تأکید می‌شد. مرحله سوم، از اواسط دهه ۱۹۷۰ تاکنون اقتصاددانان دریافته‌اند که اگر سیاست‌ها به درستی، به طور مناسب و هماهنگ اجرا شوند، نیازی به وجود تضاد میان رشد سریع و توزیع در کوتاه‌مدت و بلندمدت وجود ندارد. بنابراین در مرحله اول و دوم، سیاست‌ها جایگاه چندانی نداشتند و به سیاست‌ها به عنوان نتایج منطقی رابطه کلان رشد و توزیع درآمد توجه می‌شد که مشهورترین آن‌ها فرضیه کونترس بود. اما مرحله سوم با آشفتگی و بحران‌های اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا آغاز و با معجزه «رشد همراه برابری» کشورهای جنوب شرقی آسیا همراه شد (داوودی و براتی، ۱۳۸۶). این تجارب نشان دادند که بررسی رابطه کلی

- ترکیب درآمد: زمانی اتفاق می‌افتد که ترکیب درآمد در بین خانوارها متفاوت باشد. از این‌رو، اگر سیاست پولی انبساطی، درآمد حاصل از سرمایه را بیش از درآمد نیروی کار افزایش دهد و از آنجا که سهم درآمد حاصل از سرمایه برای ثروتمندان بیشتر است، سیاست پولی انبساطی نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد (کویبیون و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۷؛ گالبرایت^{۱۳}، ۲۰۲۰).

- پرتفوی دارایی: این کانال وقتی وجود می‌آید که اندازه و ترکیب پرتفوی دارایی در بین خانوارها متفاوت باشد. خانوارهای با درآمد و ثروت بالاتر تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی دارند. از این‌رو، آنها از اجرای سیاست پولی انبساطی که قیمت دارایی‌های مالی را افزایش می‌دهد سود بیشتری خواهند برد (فینر^{۱۴}، ۲۰۱۸ و آلبرت و همکاران^{۱۵}، ۲۰۲۰). گروه‌های کم درآمد، بیشتر دارایی خود را به صورت وجوه نقد نگه می‌دارند. لذا، ارزش واقعی دارایی‌شان با اجرای سیاست پولی انبساطی کاهش می‌یابد در حالی که قیمت سایر دارایی‌ها نظیر سهام افزایش می‌یابد (اینوی و همکاران، ۲۰۱۷).

- قیمت مسکن: سیاست پولی انبساطی منجر به افزایش قیمت مسکن می‌گردد (پیازسی و اسنیچیدر^{۱۶}، ۲۰۱۶). بنابراین، تأثیرات توزیعی بر درآمد را به همراه دارد. با افزایش قیمت مسکن، جوانان تازه ازدواج کرده، هنگام خرید خانه با قیمت‌های نجومی روبرو می‌شوند. علاوه بر این، سیاست‌های پولی انبساطی می‌تواند منجر به افزایش اجاره گردد در نتیجه درآمد حاصل از اجاره افزایش می‌یابد و این موضوع به سود خانوارهای با درآمد بالا است که عمده درآمد خود را از این طریق کسب می‌کنند، از این‌رو نابرابری در درآمد افزایش می‌یابد (آلبرت و همکاران، ۲۰۲۰).

- تغییر قیمت دارایی‌ها: براساس این مکانیزم که مورد توجه پولیون بوده، سیاست پولی بر قیمت نسبی دارایی‌ها و ثروت حقیقی تأثیر می‌گذارد، که این موضوع از دو طریق تئوری سرمایه‌گذاری q توبین و اثرات ثروت بر مصرف تحلیل می‌شود. براساس نظریه توبین، استدلال می‌شود که افزایش حجم پول به دلیل افزایش قیمت انتظاری (از طریق افزایش قیمت سهام) با تشویق سرمایه‌گذاری، تقاضای کل و تولید و اشتغال را افزایش می‌دهد (پروین و طاهری‌فرد، ۱۳۸۷).

میان رشد و نابرابری را بایستی کنار گذاشت و به جای آن سیاست‌ها به طور دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

هم‌چنین موضوع نابرابری درآمد در محافل علمی و سیاست‌گذاری اهمیت بسیاری پیدا نمود به طوری که کاهش نابرابری درآمدی به عنوان یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در اقتصاد کلان مطرح شده است و تمرکز اصلی اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بر نقش سیاست‌های دولت در کاهش نابرابری درآمدی متمرکز شده است (سشادری و یوکی^۷، ۲۰۰۵). بدین منظور به بررسی تاثیر سیاست‌های پولی و مالی بر توزیع درآمد پرداخته می‌شود.

تاثیر سیاست پولی بر نابرابری درآمد

به طور کلی، راه‌های تأثیرگذاری سیاست پولی بر نابرابری درآمد را به صورت غیرمستقیم می‌توان به توزیع مجدد پس‌انداز، ناهمگنی درآمد، ترکیب درآمد، پرتفوی دارایی، قیمت مسکن، نرخ بهره و تغییر قیمت دارایی‌ها تقسیم‌بندی کرد. با توجه به اهمیت آن‌ها در فرایند تأثیرگذاری سیاست پولی بر نابرابری درآمد، هر یک به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرند.

- توزیع مجدد پس‌انداز: این کانال به عنوان یک کانال جدید از انتقال سیاست‌های پولی، توجه روزافزون را به خود جلب کرده است (کرونیک و سیمسک، ۲۰۱۶)^۸. سیاست پولی انبساطی، نرخ بهره را کاهش می‌دهد یا تورم را افزایش می‌دهد، در این صورت اگر ثروتمندان وام دهنده باشند و گروه‌های کم درآمد وام گیرنده باشد، توزیع درآمد به نفع گروه‌های کم درآمد است (ناکاجیما^۹، ۲۰۱۵).

- ناهمگنی درآمد: این کانال واکنش ناهمگن وضعیت اشتغال و ساعات کار در برابر سیاست‌های پولی است. وقتی اکثر خانوارهای کم درآمد بیکار هستند، کانال ناهمگنی درآمد ایجاد می‌شود. با اجرای سیاست پولی انبساطی، کانال ناهمگنی درآمد عمدتاً با کاهش قابل ملاحظه در نرخ بیکاری گروه‌های کم درآمد، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد تا از طریق افزایش دستمزد افراد شاغل (لنزا و واسلاکلک^{۱۰}، ۲۰۱۸). به عبارت دیگر، سیاست پولی انبساطی باعث ایجاد شغل برای گروه‌های پایین درآمدی که بیکار هستند، می‌گردد. لذا، تعداد خانوارهای با درآمد صفر کاهش می‌یابد (اینوی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۷).

(ابونوری و همکاران، ۱۳۸۹). به کارگیری درست ابزار سیاست مالی، به عنوان بازوی اقتصادی دولت، می‌تواند نقش مهمی در تشکیل سرمایه، تجهیز منابع، رشد و ثبات اقتصادی، ایجاد اشتغال درآمد داشته باشد. بنابراین، سیاست مالی از طریق رشد اقتصادی می‌تواند بر نابرابری درآمد تاثیر بگذارد (اتکینسون و براندولینی^{۱۸}، ۲۰۰۶). در حالی که یارانه‌ها و مالیات‌ها به صورت مستقیم نابرابری را متاثر می‌سازند، مخارج دولت از طریق توسعه خدمات عمومی مانند آموزش و بهداشت (تقویت توانایی‌های افراد) می‌تواند به صورت غیرمستقیم بر نابرابری درآمد تاثیر می‌گذارد (ویگاس و ریبریو^{۱۹}، ۲۰۱۳). لذا می‌توان گفت سیاست مالی، ابزار اصلی دولت‌ها برای اصلاح توزیع نابرابر درآمدها است (بالتاجی و همکارانش^{۲۰}، ۲۰۱۲). در ادامه به طور مختصر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

مالیات و یارانه: مالیات به عنوان منبع دائمی و قابل پیش‌بینی، همواره مورد توجه دولت‌مردان بوده است. اعمال مالیات چه به جهت کسب درآمد و چه به منظور ابزاری جهت سیاست‌گذاری، آثار متفاوتی را بر اقتصاد، تحمیل می‌کند. مالیات‌ها از یک‌سو، با توجه به اصابت مالیاتی بر شرایط توزیعی جامعه تأثیرگذار هستند و از سوی دیگر با جابجایی منابع از بازاری به بازار دیگر، آثار تخصیصی را به همراه دارند. از طریق سیستم مالیاتی است که دولت می‌تواند بخشی از درآمد افراد را برای انجام خدمات عمومی، کمک به گروه‌های با درآمد پایین یا پرداخت مستقیم به فقیران (یارانه نقدی)، دریافت کند. در واقع، تاثیر مالیات بر درآمد از طریق انتقال درآمد از بازار به دولت و از دولت به کل جامعه اعمال می‌شود. از طریق مالیات، دولت می‌تواند در بازار دخالت کرده، هزینه‌های خود را تامین نموده و توزیع درآمد را متاثر سازد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۶).

هزینه‌های دولت: هزینه‌های دولت از طریق بهبود توانمندی نیروی انسانی (آموزش، بهداشت) و ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی می‌تواند اثرات تعیین‌کننده‌ای بر الگوی توزیع درآمد داشته باشد (لوستیگ و همکاران^{۲۱}، ۲۰۱۴). هم‌چنین، با افزایش مخارج عمرانی دولت، قدرت خرید مردم افزایش می‌یابد. در نتیجه، با افزایش تقاضا برای کالا و خدمات ایجاد شده، سرمایه‌گذاری مجدداً بیشتر خواهد شد و به تبع آن رشد اقتصادی افزایش می‌یابد.

- نرخ بهره: مهم‌ترین کانال ارتباط دو بخش پول-کالا، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از سمت بازار کالا و نرخ بهره از سمت بخش پولی است. مسیر دیگر این ارتباط، عرضه کالا با تقاضای واقعی پول است. اگر نظریات کینز و طرفدرانش پذیرفته شود. در این صورت سیاست پولی انبساطی می‌تواند از طریق کاهش نرخ بهره، افزایش سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال می‌گردد (پروین و طاهری‌فرد، ۱۳۸۷).

هم‌چنین، راه‌های تأثیرگذاری سیاست پولی بر نابرابری درآمد را به صورت مستقیم می‌توان به اعتبارات بانکی و تورم تقسیم‌بندی کرد. از راه‌های زیر هم به طور مستقیم می‌تواند بر نابرابری درآمد تاثیر بگذارد.

- اعتبارات بانکی: با اتخاذ سیاست پولی انبساطی، قدرت وام‌دهی بانک‌ها افزایش می‌یابد. از این‌رو، وجوه لازم برای تأمین مخارج سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و موجب افزایش تقاضای کل و تولید و اشتغال می‌شود. هم‌چنین دسترسی گروه‌های پایین درآمدی به اعتبارات با نرخ بهره پایین افزایش می‌یابد (پروین و طاهری‌فرد، ۱۳۸۷).

- تورم: تورم به دنبال سیاست پولی انبساطی، می‌تواند از طریق کاهش ارزش واقعی دستمزدها و پرداخت‌های انتقالی منجر به بدتر شدن توزیع درآمد شده و نهایتاً به زیان افراد فقیر منتهی گردد. اگر تورم انتظاری و تغییرات گسترده آن موجب نااطمینانی در مورد بازده فعالیت‌های تولیدی و رونق فعالیت‌هایی گردد که بیشتر منافع خصوصی دارند و نه منافع اجتماعی، می‌تواند به سطح اشتغال پایین‌تر منجر گردد. تداوم تورم در محیط کلان اقتصادی می‌تواند گروه‌های کم درآمد را بیشتر از سایر گروه‌ها متاثر سازد. زیرا، تورم انتظاری منجر به انتقال منابع به بخش‌های زود بازده و غیرتولیدی می‌شود. به این ترتیب سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت بیشتر از موارد دیگر تحت تاثیر قرار می‌گیرند (پروین و طاهری‌فرد، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر، عرضه مهم سیاست پولی انبساطی تورم است، که اثرات منفی آن بر نابرابری درآمد تقریباً در اکثر مطالعات تجربی تایید شده است (استیگلیتز^{۱۷}، ۲۰۱۵).

تاثیر سیاست مالی بر نابرابری درآمد

سیاست مالی بخشی از سیاست‌های مدیریت تقاضا است که از سوی دولت اجرا می‌شود. جریان پرداخت‌ها و دریافت‌های دولت که در قالب بودجه دولت آشکار می‌شود، متغیرهای اصلی سیاست مالی دولت را تشکیل می‌دهند

به افزایش نرخ بهره کوتاه مدت و در نتیجه افزایش نرخ بهره بلند مدت شود، در نتیجه، خدمات بدهی برای بهره افزایش می‌یابد و کسری بودجه به دلیل نرخ بهره بالاتر افزایش می‌یابد. (۴) اثر دوره دولت: اگر سیاست پولی انقباضی درآمد مربوط به دوره مثلا چهار ساله دولت کاهش دهد، این امر می‌تواند بر بودجه عمومی و تصمیمات مالی تأثیر بگذارد (کارپنتر و همکاران^{۲۶}، ۲۰۱۵). (۵) اثر قیمت: نرخ پایین تورم در نتیجه یک سیاست پولی انقباضی منجر به افزایش ارزش واقعی بدهی عمومی می‌شود و مسیر تثبیت مالی را تغییر می‌دهد. طبق این کانال‌ها، سیاست‌های پولی می‌توانند پیامدهایی بر تصمیمات سیاست‌های مالی و در نتیجه، تأثیرات توزیعی داشته باشند (آلبرت و همکاران، ۲۰۲۰).

سیاست‌های پولی و مالی در کوتاه‌مدت به صورت مستقیم منجر به کاهش نابرابری درآمدی نمی‌گردند و اجرای مناسب سیاست‌ها در بلندمدت می‌تواند به کاهش نابرابری درآمدی منجر شود. دولت با اجرای سیاست مالی و ایجاد زیربنای اساسی (ایجاد دانشگاه‌های کارآفرین در بخش‌های مختلف اقتصادی، فرودگاه‌های جامع، بندر مجهز و جامع و خط آهن جامع و سراسری، توسعه زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی و...) می‌تواند سبب ارتقاء سطح رفاه عمومی شده و سبب کاهش نابرابری درآمدی می‌شود که این اقدامات در کوتاه‌مدت تأثیر چندانی بر نابرابری درآمد نخواهند داشت ولی آثار بلندمدت این اقدامات بر کاهش نابرابری درآمدی قابل توجه است. شایان ذکر است که با گسترش عدالت اجتماعی که یکی از نمونه‌های آن بیمه‌های تأمین اجتماعی است، یکی از نگرانی‌های جوامع آن است که مصرف‌کنندگان کنونی پس‌انداز خود را به امید آن که پرداخت‌های بازنشستگی توسط درآمد آتی تأمین خواهد شد، کاهش داده‌اند. در حالی که در حقیقت فلسفه بیمه اجتماعی در سطح ارقام بزرگ، مساوی کردن ارزش پس‌اندازها در طول زمان با مصرف آتی آن دسته از پس‌اندازکنندگان کنونی یا بازنشستگان آتی است (برانسون^{۲۷}، ۱۹۸۹). از طرف دیگر بانک مرکزی همگام با سیاست مالی بیان شده اقدام به اعمال سیاست پولی می‌نماید که با توجه به اینکه این سیاست‌ها سطحی و زودگذر می‌باشند اما اگر در راستای کارآفرینی قرار گیرد منجر به بکارگیری نیروهای خلاق با بهره‌وری بالا می‌شود که این سبب افزایش کیفیت سرمایه انسانی و نهایتاً باعث افزایش سهم نیروی

تداوم این چرخه منجر به ایجاد اشتغال و درآمد پایدار و بنابراین، بهبود توزیع درآمد جامعه خواهد شد. اما مخارج جاری دولت که اثر غیرتولیدی دارد معمولا متوجه گروه‌های پردرآمد جامعه می‌شود و امکان بهره‌مند شدن اقشار کم‌درآمد را فراهم نمی‌کند (اکبری و همکاران، ۱۳۹۰).

همان‌طور که ملاحظه شد، سیاست‌های پولی و مالی می‌توانند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر نابرابری درآمد تأثیر بگذارند. از آنجا که، هدف مقامات پولی، ایجاد ثبات در اقتصاد از طریق هدف‌گذاری قیمت و بیکاری است. با این حال، برای دستیابی به اهدافش، تغییر در سیاست‌های پولی می‌تواند برخی از پیامدها را برای سیاست مالی و در نتیجه نابرابری درآمد داشته باشد (آلبرت و همکاران، ۲۰۲۰). در نتیجه، ناهماهنگی میان سیاست‌های پولی و مالی باعث کاهش پیامدهای خارجی این سیاست‌ها (تورم و بیکاری) بر نابرابری درآمد خواهد شد. هر چه تأثیر سیاست مالی بر تورم و تأثیر سیاست پولی بر بودجه دولت کوچکتر باشد پیامدهای خارجی اعمال این سیاست‌ها کمتر خواهد بود (وودفرد^{۲۸}، ۲۰۰۱). هماهنگی موثر سیاست پولی و مالی پیامدهای خارجی اجرای این سیاست‌ها را کاهش می‌دهد و باعث خواهد شد که سیاست‌گذاران به اهداف سیاستی از پیش تنظیم شده‌شان دست یابند و از ایجاد ناطمینانی، نرخ‌های بهره بالا، افزایش نرخ ارز، تورم شتابان و تأثیرات ناسازگار آنها بر نابرابری درآمد جلوگیری کنند.

تین برگن (۱۹۵۴)^{۲۳} و کوپر (۱۹۶۸)^{۲۴} بیان کردند که اگر واکنش‌های متقابل سیاست‌های پولی و مالی در نظر گرفته نشود، باعث عدم تحقق اهداف از پیش تعیین شده و ایجاد عدم تعادل خواهد شد و هزینه‌هایی را به اقتصاد تحمیل خواهد کرد. داهان^{۲۵} (۱۹۹۸)، پنج کانال را شناسایی می‌کند که از طریق آن‌ها سیاست پولی می‌تواند اثرات مالی داشته باشد. (۱) اثر هزینه: اگر سیاست پولی انقباضی منجر به کاهش تولید و اشتغال شود، دولت می‌تواند از طریق اجرای سیاست مالی انبساطی (افزایش هزینه‌های دولت یا کاهش مالیات) این اثر ناشی از سیاست‌های پولی را کاهش دهد. (۲) تأثیر درآمد: اگر سیاست پولی انقباضی تولید و اشتغال را کاهش دهد، مالیات و سایر درآمدهای دولت کاهش می‌یابد، در نتیجه، کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد. (۳) اثر بدهی: با فرض قیمت‌های چسبیده، اگر سیاست پولی انقباضی منجر

توسعه دارد در حالی که رشد اقتصادی و تورم تأثیر مثبتی بر توزیع درآمد در کشورهای پیشرفته دارد.

اینوی و همکارانش (۲۰۱۷)، به بررسی اثرات توزیع سیاست‌های پولی در ژاپن با استفاده از مدل تعادل عمومی پویا طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۸۱ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، قبل از سال ۲۰۰۰، سیاست پولی انبساطی نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. هم‌چنین با استفاده از داده‌های سطح خرد در ترازنامه خانوارها نتیجه می‌گیرند که، توزیع دارایی‌ها و بدهی‌های مالی خانوارها نقش مهمی در تأثیرات توزیعی سیاست‌های پولی ندارند.

دوسی و همکارانش^{۳۱} (۲۰۱۳) به بررسی روابط توزیع درآمد بین سود و دستمزد و سیاست‌های پولی و مالی با توجه به متغیرهای پویا (رشد تولید ناخالص داخلی، بیکاری و ...) براساس مدل عامل-بنیان‌کنیزی^{۳۲} پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد سیاست‌های مالی، چرخه‌های تجاری را کاهش می‌دهد، بیکاری را کاهش می‌دهد و احتمال بحران بزرگ را افزایش می‌دهد و در برخی شرایط، بر رشد بلند مدت تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، توزیع درآمد بیشتر به سمت سود منحرف می‌شود که متأثر از سیاست‌های مالی است. در عوض، نرخ بهره تأثیری غیرخطی قوی بر دینامیک اقتصاد کلان دارد. تنظیم نرخ بهره زمانی که آن زیر آستانه معینی است دارای اثرات قابل شناسایی نیست. برعکس، افزایش نرخ بهره وقتی که بالاتر از آن آستانه است، رشد تولید ناخالص و بی‌ثبات، نرخ بیکاری بالاتر و احتمال بیشتر بحران را افزایش می‌دهد. سرخوندی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر سیاست پولی دولت بر توزیع درآمد با استفاده از حداقل مربعات معمولی طی دوره ۱۳۹۸-۱۳۵۳ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فرضیه تأثیرپذیری توزیع درآمد از سیاست پولی تأیید می‌شود و از طریق افزایش ظرفیت تولید است که می‌توان فقر را کاهش داد.

صادقی و همکارانش (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر سیاست‌های مالی دولت بر توزیع درآمد با استفاده از روش نوین خودرگرسیون برداری عامل افزوده (FAVAR) و داده‌های فصلی طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۶۹ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، یک شوک مثبت به اندازه یک انحراف معیار در مخارج جاری دولت ضریب جینی را افزایش داده و موجب بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود؛ در حالی که شوک مخارج

انسانی در زنجیره تولید می‌گردد. هم‌چنین با ایجاد تسهیلات ارزان قیمت در راستای اشتغال‌زایی می‌تواند منجر به کاهش نابرابری درآمدی در بلندمدت گردد. هدف اصلی سیاست‌گذاران از اجرای سیاست هماهنگ پولی و مالی کاهش نابرابری‌های فزاینده درآمدی است. بدین منظور سیاست‌گذاران بانک مرکزی و دولت توابع سیاستی خود را به یکدیگر نزدیک می‌نمایند تا کاهش نابرابری‌های درآمدی تحقق یابد.

پیشینه تحقیق

آلبرت و همکارانش (۲۰۲۰)، به بررسی تأثیر سیاست‌های پولی بر نابرابری درآمد و ثروت از کانال‌های مختلف در ایالات متحده با استفاده از روش SVAR طی دوره ۱۹۸۲-۲۰۱۴ پرداخته‌اند، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که یک شوک سیاست پولی انبساطی به دلیل وجود کانال‌های مخالف تأثیر مهمی بر نابرابری درآمد ندارد، در حالی که این شوک، نابرابری ثروت را عمدتاً از طریق کانال پرتفوی افزایش می‌دهد.

آیه و همکارانش^{۲۸} (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری تحت شرایط نااطمینانی کم و زیاد در آمریکا طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۷۵ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد هر دو سیاست پولی و مالی انقباضی نابرابری افزایش می‌دهند و در حضور سطوح نسبتاً بالای نااطمینانی، کارایی هر دو سیاست کاهش می‌یابد.

تقی‌زاده حصاری و همکارانش^{۲۹} (۲۰۱۸) به بررسی سیاست مالیاتی و پولی بر نابرابری درآمد در ژاپن طی دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۲ با استفاده از داده‌های فصلی و مدل تصحیح خطا (VECM) پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، افزایش در عرضه پول به طور معناداری نابرابری درآمد افزایش می‌دهد ولی سیاست‌های مالیاتی به طور معناداری باعث کاهش نابرابری درآمدی می‌شود.

بالسون و توگو^{۳۰} (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد در ۱۷ کشور در حال توسعه و ۳۰ کشور پیشرفته با استفاده از تکنیک‌های داده‌های تلفیقی طی دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، درآمد مالیاتی، نابرابری درآمد را در کشورهای در حال توسعه کاهش می‌دهد در حالی که منافع اجتماعی، نابرابری درآمد را در کشورهای پیشرفته کاهش می‌دهد. هم‌چنین، رشد اقتصادی تأثیر منفی بر توزیع درآمد در کشورهای در حال

ایران پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد، سیاست افزایش درآمدهای دولت منجر به کاهش در نابرابری درآمدی می‌شود. هم‌چنین، سیاست‌های افزایش در ذخایر بانکی و اعتبارات بخش خصوصی به افزایش در نابرابری درآمدی می‌انجامد. افزایش نرخ ارز در رژیم ارزی شناور به افزایش نابرابری می‌انجامد و در رژیم ارزی ثابت کاهش نرخ ارز در شرایطی می‌تواند به افزایش نابرابری منجر گردد.

مطالعات متعددی هم در داخل و هم خارج از کشور به بررسی تاثیر سیاست‌های پولی و مالی به طور جداگانه بر نابرابری درآمدی انجام شده است. اما، با توجه به اهمیت بررسی تاثیر همزمان سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد مطالعات جامعی پیرامون موضوع تحقیق انجام نشده است. بنابراین، با توجه به نوآوری این پژوهش در موضوع، سعی می‌شود به بررسی تاثیر همزمان سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد در ایران پرداخته شود. بررسی ترکیب همزمانی سیاست‌های پولی و مالی به سیاست‌گذاران کمک می‌نماید تا به منظور تحقق کاهش نابرابری درآمدی برنامه‌ریزی نموده و سیاست‌ها دارای حداکثر کارایی گردند. زیرا، در صورت عدم هماهنگی بین سیاست‌ها، احتمال بی‌ثباتی سیاست‌ها که منجر به نرخ‌های بهره بالا، افزایش نرخ ارز، تورم لجام گسیخته می‌گردد در نتیجه، این سیاست‌ها منجر به افزایش نابرابری‌های درآمدی می‌گردند.

روش‌شناسی

با توجه به موضوع تحقیق، این مطالعه به دنبال تاثیر همزمان سیاست پولی و مالی بر نابرابری درآمدی است. در این مقاله به پیروی از آرتا^{۳۳} (۲۰۰۷)، سیمز^{۳۴} (۱۹۹۴) و رامایاندی (۲۰۱۰)، رضابک^{۳۵} (۲۰۱۱) و هم‌چنین عمادی و همکاران (۱۳۹۸) که به مانند الگوی سنت لوئیز به طور همزمان متغیرهای سیاست پولی و مالی در یک طرف رابطه آورده شده و در طرف دیگر متغیر نابرابری قرار می‌گیرد. در نتیجه، متغیر نابرابری درآمد به عنوان متغیر وابسته، متغیر سیاست پولی (MP) و سیاست مالی (FP) به عنوان متغیر مستقل و X برداری از متغیرهای کنترل است که جهت تعریف وضعیت متغیرها بکار گرفته شده است. مدل مورد مطالعه به صورت زیر:

$$GINI = F(M, G, X) \quad (1)$$

متغیر درون‌زای LGINI ضریب جینی است که نشان

عمرانی دولت، شوک مالیات‌های مستقیم و شوک مالیات‌های غیرمستقیم با کاهش ضریب جینی باعث بهبود توزیع درآمد می‌گردند.

رحمانی و همکارانش (۱۳۹۱) به بررسی رابطه‌ی بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان و توزیع درآمد در ۴۰ کشور در حال توسعه طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۷ پرداخته‌اند. تورم، تغییرات نرخ رشد حجم پول و کسری بودجه را مهم‌ترین کانال‌های تاثیرگذاری بی‌ثباتی سیاست‌ها بر توزیع درآمد می‌دانند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که افزایش بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان موجب افزایش ضریب جینی می‌گردد و نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهد.

شرافت جهرمی و نگین تاجی (۱۳۸۹) به بررسی تاثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۳۸ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، افزایش مخارج دولت، درآمد مالیات‌های مستقیم دولت و یا ذخایر قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی، باعث کاهش ضریب جینی می‌شود و افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، ضریب جینی را افزایش می‌دهد.

عصاری آرانی و همکارانش (۱۳۸۸) به بررسی تاثیر سیاست‌های پولی بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از یک الگوی خودتوضیح برداری VAR طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۳ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تاثیر سیاست پولی بر توزیع درآمد در ایران در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت متفاوت است. افزایش حجم پول به عنوان معیار سیاست پولی، بلافاصله موجب افزایش نابرابری درآمدی نمی‌شود، بلکه از سال دوم به بعد اثرات تشدید کننده‌ی نابرابری سیاست انبساطی پولی آغاز می‌شود و در دوره‌های بعد تداوم می‌یابد.

پروین و طاهری‌فرد (۱۳۸۷)، به بررسی تاثیر سیاست‌های پولی بر توزیع درآمد و فقر در ایران طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۶۰ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، این فرضیه که «سیاست پولی در راستای کاهش فقر عمل نمی‌کند» را تأیید می‌کند.

داوودی و براتی (۱۳۸۶) به بررسی شبیه‌سازی آثار سیاست‌های مختلف اقتصاد کلان بر توزیع درآمد با تاکید بر آثار سیاست‌های پولی و ارزی طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۲

تغییرات ارز که به طور عمومی دلار آمریکا گرفته شده است و نرخ تورم (LINF) در مدل به عنوان متغیرهای کنترل آورده‌ایم که از پایگاه اطلاعاتی بانک مرکزی استخراج شده است. با توجه به معرفی این متغیرها تابع شماره (۱) به رابطه شماره (۲) به شرح زیر تبدیل می‌شود:

$$LGINI = \alpha + \beta_1 LM1 + \beta_2 LEXR_t + \beta_3 LINT_t + \beta_4 LTAX_t + \beta_5 LEXP_t + \beta_6 LINF_t + \epsilon_t \quad (2)$$

آزمون ایستایی

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون‌های دیکی فولر و فیلیپس پرون مطابق جدول شماره ۱ دریافتیم که همه متغیرها در سطح نامانا هستند و با گرفتن یکبار تفاضل گیری تمامی متغیرها مانا می‌شوند.

دهنده نابرابری است و از پایگاه اطلاعاتی بانک مرکزی استخراج شده است. سیاست پولی (M) و سیاست مالی (G)، متغیرهای برون‌زا و جزء اخلاص با U نشان داده می‌شوند. بنابراین، براساس مدل مفهومی، مبانی نظری و مطالعات تجربی، به طراحی مدل پایه می‌پردازیم که در این مدل سیاست پولی شامل حجم پول (LM1) که همان کل اسکناس و مسکوک و سپرده‌های دیداری است و نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار (LINT) می‌شود که از پایگاه اطلاعاتی بانک مرکزی استخراج شده است. برای سیاست مالی، درآمد مالیاتی که ناشی از مالیات مستقیم و غیرمستقیم به عنوان درآمد دولت (LTAX) و مخارج جاری دولت (LEXP) بکار گرفته می‌شود که از پایگاه اطلاعاتی بانک مرکزی استخراج شده است. دو متغیر نرخ ارز (LEXR) که در حقیقت نرخ

جدول ۱- نتایج آزمون ایستایی

آزمون پرون		آزمون دیکی فولر		متغیرها
در سطح	در تفاضل مرتبه اول	در سطح	در تفاضل مرتبه اول	
۱۱,۲۰۵۷۱	-4.402316	-۱,۶۰۹۲۱۳	-۴,۱۶۴۸۷۶	لگاریتم درآمدهای مالیاتی (LTAX)
-1.912905	-5.654786	۸۰۲۷۶.۲۲-	-۹,۶۱۱۶۱۲	لگاریتم اسکناس و مسکوک و سپرده دیداری (LM1)
-0.072601	-6.289841	۳,۴۵۷۳۲۰	-۶,۲۸۹۴۱۳	لگاریتم کل مخارج دولت (LEXP)
9.760411	-3.977464	۰,۱۵۶۰۹۳	-۴,۷۰۹۶۷۴	لگاریتم نرخ ارز (LEXR)
-3.240333	-9.695723	-۴,۴۲۱۳۹۷	-۵,۹۱۲۵۴۴	نرخ تورم (LINF)
-0.910697	-7.333123	۰,۴۵۲۱۰۰-	۴,۰۳۹۰۹۱-	نرخ سود سپرده بلندمدت (LINT)
-5.246788	-7.198187	-۴,۱۵۷۳۴۸	-۷,۲۱۳۴۳۰	ضریب جینی (LGINI)

منبع: یافته‌های پژوهش

تخمین کوتاه مدت:

ضعف در کمک نهادهای خیریه و واسطه‌ای اجتماعی نشأت گرفته می‌شود هم‌چنین نرخ سود سپرده‌های بلندمدت هر چقدر افزایش یافته سبب شده پول‌های راکد جذب شبکه بانکی شده و بانک‌ها احتمالاً این وجوه را بدلیل رکود اقتصادی موجود در جریان تولید سرمایه‌گذاری ننموده و سبب افزایش بیکاری و در نهایت سبب افزایش نابرابری می‌شود. نرخ تورم طبق انتظارات در این تخمین با ضریب جینی رابطه مثبت دارد که با توجه به مبانی نظری مطرح شده صحیح است. زیرا تورم سبب افزایش قیمت کالاهای اساسی شده و اقشار بیشتری به زیر خط فقر سقوط می‌نمایند و همین عامل سبب افزایش ضریب نابرابری می‌شود. نرخ ارز از جمله متغیرهای

با توجه به آزمون مانایی، براساس مدل ARDL اقدام به تخمین متغیرها در قالب کوتاه مدت می‌نماییم. در این مدل متغیر وابسته ضریب جینی ایران طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۶ قرار دارد و در طرف دیگر متغیرهای مستقل که شامل حجم اسکناس و مسکوک و سپرده دیداری، مخارج جاری دولت و درآمدهای مالیاتی و نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار می‌شود و هم‌چنین متغیرهای کنترلی شامل نرخ تورم و نرخ ارز است. به عبارت دیگر هر چقدر میزان حجم اسکناس و مسکوک و سپرده دیداری افزایش یابد سبب افزایش شاخص نابرابری شده که این از تورم ناشی افزایش حجم نقدینگی و

و در نهایت سبب افزایش ضریب نابرابری می‌شود. درآمد مالیاتی دولت که یکی از ابزارهای کنترل فقر و بهبود توزیع درآمد محسوب می‌شود و در تحقیق حاضر با افزایش مالیات سبب کاهش ضریب نابرابری شده که احتمالاً از آمار بهبود وضعیت مالیاتی حکایت دارد. البته سرعت تعدیل مدل برابر با ۵۹٪ است این به معنای هر تغییری در سیاست‌های اقتصادی با سرعت ۵۹ درصد سبب تغییر در وضعیت نابرابری می‌شود.

بسیار مهم برای اقتصاد و فقر به شمار می‌رود زیرا افزایش آن برای کشوری که بزرگترین واردکننده مواد اولیه است سبب افزایش هزینه‌های تولید افزایش قیمت کالاها و خدمات شده و همین امر سبب کاهش قدرت خرید و در نهایت سبب افزایش نابرابری درآمدی می‌گردد. مخارج دولت با ضریب جینی رابطه مثبت برقرار می‌نماید و این نشان می‌دهد که مخارج دولت بطور کلی به سمت مخارج جاری سوق داده می‌شود نه مخارج عمرانی که این امر نرخ تورم را افزایش داده

جدول ۳- نتایج تخمین کوتاه مدت

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t
LTAX	-7.02	2.53	-2.77
LMI	8.3	1.89	4.39
LEXP	2.2	1.09	2.01
LEXR	6.59	3.07	2.14
LINF	0.0014	0.0004	3.26
LINT	0.018	0.0045	4.06
ecm	-0.59	0.049	-12.11

منبع: یافته‌های پژوهش

تخمین بلند مدت

ارتباط بلندمدت متغیرها به صورت جدول زیر بدست آمده که فقط مدل رابطه بلندمدت مبنای نظری را تایید می‌نماید بر این اساس اثر همزمان سیاست پولی و مالی بر ضریب جینی در بلندمدت اقتصاد تایید می‌شود و هر چقدر میزان حجم اسکناس و مسکوک و سپرده دیداری افزایش یابد سبب افزایش شاخص نابرابری شده که این از تورم ناشی افزایش حجم نقدینگی و ضعف در کمک نهادهای خیریه و واسطه‌های اجتماعی نشأت گرفته می‌شود، هم‌چنین نرخ سود سپرده‌های بلندمدت هر چقدر افزایش یافته سبب شده پول‌های راکد جذب شبکه بانکی شده و بانک‌ها احتمالاً این وجوه را بدلیل رکود اقتصادی موجود در جریان تولید سرمایه‌گذاری ننموده و سبب افزایش بیکاری

و در نهایت سبب افزایش نابرابری می‌شود. البته به لحاظ آماری نیز تایید شده است. مخارج دولت با ضریب جینی رابطه مثبت برقرار می‌نماید و این نشان می‌دهد که مخارج دولت بطور کلی به سمت مخارج جاری سوق داده می‌شود نه مخارج عمرانی که این امر نرخ تورم را افزایش داده و در نهایت سبب افزایش ضریب نابرابری می‌شود. درآمد مالیاتی دولت که یکی از ابزارهای کنترل فقر و بهبود توزیع درآمد محسوب می‌شود و در تحقیق حاضر با افزایش مالیات سبب کاهش ضریب نابرابری شده که احتمالاً از آمار بهبود وضعیت مالیاتی حکایت دارد. فقط نرخ ارز و تورم متفاوت از کوتاه مدت هستند و این بدلیل سیاست‌های سرکوب نرخ ارز برای یک دوره طولانی باعث می‌شود که نرخ ارز و به تبع آن تورم رابطه عکس با ضریب نابرابری برقرار نماید. نتایج آن به شرح جدول زیر آورده شده است:

جدول ۴- نتایج تخمین بلندمدت

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t
LTAX	-1.93	4.46	-4.33
LM1	9.18	2.64	3.47
LEXP	3.2	1.07	2.98
LEXR	-9.2	4.82	-1.9
LINF	-0.002	0.0005	-3.63
LINT	0.01	0.004	2.37

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این مطالعه به دنبال بررسی تاثیر همزمان سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد در ایران طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۵۷ با استفاده از روش ARDL است. متغیرهای مستقل شامل حجم اسکناس و مسکوک و سپرده دیداری، مخارج دولت، نرخ سود سپرده و درآمدهای مالیاتی است و همچنین متغیرهای کنترلی شامل نرخ تورم و نرخ ارز است به عبارت دیگر هر چقدر میزان حجم اسکناس و مسکوک و سپرده دیداری افزایش یابد سبب کاهش شاخص نابرابری شده که این از کمک نهادهای خیریه و واسطه‌ای اجتماعی نشأت گرفته می‌شود متفاوت با مطالعه استیگلیز (۲۰۱۵)، افارل و همکاران (۲۰۱۶)، عساری آرنی و همکارانش (۱۳۸۸) است، همچنین نرخ سود سپرده‌های بلندمدت هر چقدر افزایش یافته سبب شده پول‌های راکد جذب شبکه بانکی شده و بانک‌ها احتمالاً این وجوه را جهت کسب بازدهی در جریان تولید سرمایه‌گذاری ننموده و سبب افزایش بیکاری و در نهایت افزایش نابرابری می‌شود که با مطالعه شرافت و نگین تاجی (۱۳۸۹) مطابقت دارد و مخارج دولت با ضریب جینی رابطه مثبت برقرار می‌نماید و این نشان می‌دهد که مخارج دولت بطور کلی به سمت مخارج جاری سوق داده می‌شود نه مخارج عمرانی که این امر نرخ تورم را افزایش داده و در نهایت سبب افزایش ضریب نابرابری می‌شود که با مطالعه بالتاجی (۲۰۱۲)، رحمانی و همکاران (۱۳۹۱) مطابقت دارد. درآمد مالیاتی دولت که یکی از ابزارهای کنترل فقر و بهبود توزیع درآمد محسوب می‌شود و در تحقیق حاضر با افزایش مالیات سبب کاهش ضریب نابرابری شده که احتمالاً از آمار بهبود وضعیت مالیاتی حکایت دارد البته معافیت‌های مالیاتی هنوز

بحث افزایش نابرابری در ایران محسوب می‌شود با مطالعه رحمانی و همکاران (۱۳۹۱) متفاوت است نرخ تورم طبق انتظارات در این تخمین با ضریب جینی رابطه مثبت دارد که با توجه به مبانی نظری مطرح شده صحیح است. زیرا تورم سبب افزایش قیمت کالاهای اساسی شده و اقشار بیشتری به زیر خط فقر سقوط می‌نمایند و همین عامل سبب افزایش ضریب نابرابری می‌شود با مطالعه رحمانی و همکاران (۱۳۹۱) مطابقت دارد. نرخ ارز از جمله متغیرهای بسیار مهم برای اقتصاد و فقر به شمار می‌رود زیرا افزایش آن برای کشوری که بزرگترین واردکننده مواد اولیه است سبب افزایش هزینه‌های تولید افزایش قیمت کالاها و خدمات شده و همین امر سبب کاهش قدرت خرید و در نهایت سبب افزایش نابرابری درآمدی می‌گردد و به لحاظ آماری تایید شده است که با مطالعه داوودی و براتی (۱۳۸۶) مطابقت دارد. با توجه به نتایج تحقیق، اگر ابزارهای سیاست‌های مالی و پولی به طور صحیح انتخاب شوند، سیاست‌گذاران می‌توانند در مسیر کاهش نابرابری درآمد گام بردارند. بر این اساس مدل هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت از قدرت تعدیل مناسبی برخوردار است. به این معنی که با ۵۹ درصد سرعت تعدیل، سیاست‌ها از کوتاه مدت به بلندمدت می‌رسند که این ترکیب می‌تواند در سیاست‌گذاری بسیار مناسب باشد.

در انتخاب ابزار سیاست پولی برای کاهش نابرابری درآمد، بانک مرکزی باید دقت لازم را انجام دهد زیرا در قالب یک تعادل، اگر ابزاری اشتباه بکار گرفته شود. ممکن است، آثار مناسبی را بدنبال نداشته باشد که این در مدل به وضوح دیده می‌شود.

- بانک‌ها بایستی سپرده‌های خود را در پروژه‌های

ایران: رهیافت FAVAR، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی.
 عصارى ارانى، عباس، عاقلی، لطفعلی و شفیعی، سعید
 (۱۳۸۸). تاثیر سیاست‌های پولی بر توزیع درآمد در ایران،
 فصلنامه اقتصاد مقداری.
 عمادی، سیدجواد، الهی، ناصر، کميجانی، اکبر و
 کياله‌حسینی، سید ضياء‌الدین (۱۳۹۸). بررسی تاثیر
 سیاست‌های همزمان پولی و مالی بر رشد اقتصادی در ایران،
 دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی.

Albert, J. F, Peñalver, A and Perez-Bernabeu, A (2020). The effects of monetary policy on income and wealth inequality in the U.S. Exploring different channels. Structural Change and Economic Dynamics.

Artha, I. K. D. S (2007). Interaction of Monetary and Fiscal Policy in Developing Countries, unpublished Thesis, Faculty of.

Aye, G.C, Clance, M.W and Gupta, R (2019). The effectiveness of monetary and fiscal policy shocks on U.S. inequality: the role of uncertainty. Quality & Quantity: International Journal of Methodology.

Balseven, H and Tugcu, C. T (2017). Analyzing the Effects of Fiscal Policy on Income Distribution: A Comparison between Developed and Developing Countries. International Journal of Economics and Financial Issues.

Bastagli, F, D. Coady and S. Gupta (2012). Income Inequality and Fiscal Policy, 2nd Edition. IMF Staff Discussion Notes.

Bound, J and G. Johnson (1992). Changes in the Structure of Wages in the 1980s: An Evaluation of Alternative Explanations. American Economic Review.

Branson, W. H (1989). Macroeconomic Theory and Policy, business & economic.

Carpenter, S, Ihrig, j, Klee, E, Quinn, D and Boote, A (2015). The Federal Reserve's balance sheet and earnings: a primer and projections. Int. J. Cent. Bank.

Coibion, O, Gorodnichenko, Y, Kueng, L and Silvia, J (2017). Innocent bystanders? Monetary policy and inequality. J. Monet. Econ.

اقتصادی سرمایه‌گذاری نمایند؛ لذا اگر این اتفاق روی ندهد،
 با افزایش تورم و افزایش نرخ ارز مواجه خواهیم بود که نابرابری
 درآمد افزایش می‌یابد.

- دولت نیز در انتخاب ترکیب سیاست‌های مالی باید دقت
 لازم را داشته باشد زیرا اگر سیاست‌های دولت به نتیجه نرسد
 در نهایت با افزایش تورم و نرخ ارز مواجه خواهیم شد که
 نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد

- سیاست‌گذاران برای کاهش نابرابری درآمد در ایران
 باید سعی کنند تورم و نرخ ارز را کاهش دهند و یک نقطه
 تعادلی برای مخارج دولت در آینده تعیین کنند.

منابع

ابونوری، اسمعیل، کریمی پتانلار، سعید و مردانی،
 محمدرضا (۱۳۸۹). اثرات سیاست مالی بر متغیرهای کلان
 اقتصاد ایران: رهیافتی از روش خود رگرسیون برداری.
 پژوهشنامه اقتصادی.

اکبری، نعمت الله، فرهمند، شکوفه و جمالی، سمیه
 (۱۳۹۰). تحلیل فضایی تاثیر سیاست‌های مالی دولت بر
 نابرابری درآمد در ایران با رهیافت رگرسیون وزنی جغرافیایی
 (GWR)، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری.

پروین، سهیلا و طاهری‌فرد، احسان (۱۳۸۷). تاثیر
 سیاست‌های پولی بر فقر و توزیع درآمد (مطالعه موردی
 اقتصاد ایران)، پژوهش‌های اقتصادی.

داوودی، پرویز و براتی، محمدعلی (۱۳۸۶). بررسی آثار
 سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه
 پژوهشنامه بازرگانی.

رحمانی، تیمور، پوررحیم، پروین و دهقان منشادی،
 محمد (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد
 کلان و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه،
 سیاست‌گذاری اقتصادی.

سرخوندی مهناز، سهیلی کیومرث، فتاحی شهرام
 (۱۳۹۸). تاثیر سیاست پولی بر نابرابری درآمد، نشریه اقتصاد
 و بانکداری اسلامی.

شرافت جهرمی، ناصر و نگین تاجی، زریب (۱۳۸۹). تاثیر
 سیاست‌های کلان اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه اقتصاد.
 صادقی، سیدکمال، بهشتی، محمدباقر، رنج‌پور، رضا و
 ابراهیمی، سعید (۱۳۹۶). سیاست مالی و توزیع درآمد در

Finance Review.

Nakajima, M (2015). The redistributive consequences of monetary policy. Federal Reserve Bank Philadelphia Bus..

O' Farrell, R, Rawdanowicz, L and Inaba, K (2016). Monetary Policy and Inequality, OECD Economics Department Working Papers, No.1281. Paris: OECD Economic Cooperation and Development.

Piazzesi, M and Schneider, M (2016). Housing and macroeconomics. In: Handbook of Macroeconomics.

Ramayandi, A (2007). Approximating Monetary Policy: Case Study for the ASEAN-5, Working Papers in Economics and Development Studies (WoPEDS) 200707.

Seshadri, A and Yuki, K (2004). Equity and efficiency effects of distributive policies. Journal of Monetary Economics.

Sims, C (1994). A Simple Model for Study of the Price Level and the Interaction of Monetary and Fiscal Policy, Economic Theory.

stiglitz, J.E (2015). New Theoretical Perspectives on the Distribution of Income and Wealth among Individuals: Part II: Equilibrium Wealth Distributions, NBER Working Papers 21190, National Bureau of Economic Research, Inc.

Taghizadeh-Hesary, F, N. Yoshino and S. Shimizu (2018). The Impact of Monetary and Tax Policy on Income Inequality in Japan. ADBI Working Paper 837. Tokyo: Asian Development Bank Institute.

Tinbergen, J. (1952). On the Theory of Economic Policy. Amsterdam: NorthHolland.

Viegas, M and Ribeiro, A. P (2013). Welfare-improving government behavior and inequality in a heterogeneous agent's model. Journal of Macroeconomics.

Woodford, M (2001). The Taylor Rule and Optimal Monetary Policy. American Economic Review.

Cooper, R. N (1968). The Economics of Interdependence: Economic Policy in the Atlantic Community, New York: McGraw-Hill.

Dahan, M (1998). The fiscal effects of monetary policy. Int. Monet.

Draghi, M (2016). Stability, Equity and Monetary Policy 2nd DIW Europe Lecture, 2nd DIW Europe Lecture, German Institute for Economic Research (DIW), Berlin.

Finer, D. A (2018). What insights do taxi rides offer into Federal Reserve leakage? Chicago Booth: George J. Stigler Center for the Study of the Economy & the State Working Paper.

Furceri, D, P. Loungani and A. Zdzienicka (2016). The Effects of Monetary Policy Shocks on Inequality.

Gallo, L. M and Sagalés, O. R (2013). Joint determinants of fiscal policy, income inequality and economic growth. Economic Modelling.

Inui, M, Sudou, N and Yamada, T (2017). The effects of monetary policy shocks on inequality in Japan. BIS Working Paper.

Jaumotte, F and C. O. Buitron (2015). Inequality and Labor Market Institutions. IMF Staff Discussion Note SDN/15/14. Washington, DC: International Monetary Fund.

Korinek, A, Simsek, A (2016). Liquidity Trap and Excessive Leverage. American Economic Review.

Lenza, M, Slacalek, J (2018). How does monetary policy affect income and wealth inequality? Evidence from quantitative easing in the Euro area. ECB Working Paper 2190, ECB European Central Bank, Frankfurt am Main.

Lustig, N, Pessino, C and Scott, J (2014). The impact of taxes and social spending on inequality and poverty in Argentina, Bolivia, Brazil, Mexico, Peru, and Uruguay: Introduction to the special Issue. Public

یادداشت‌ها

- ¹ M. Draghi
- ² Taghizadeh-Hesary et al
- ³ Bound and Johnson
- ⁴ Furceri et al
- ⁵ Jaumotte and Buitron
- ^۶ L. M. Gallo and O. R. Sagalés
- ^۷ Seshadri and Yuki
- ⁸ Korinek, A., Simsek
- ⁹ M. Nakajima
- ¹⁰ M. Lenza and J. Slacalek
- ¹¹ M. Inui
- ¹² O. Coibion et al.
- ¹³ J. K. Galbraith
- ¹⁴ D. A. Finan
- ¹⁵ J. Albert et al
- ¹⁶ M. Piazzesi and M. Schneider
- ^{۱۷} J. E. Stiglitz
- ¹⁸ A. Atkinson and A. Brandolini
- ¹⁹ M. Viegas and A. P. Ribeiro,
- ^{۲۰} Bastagli et al
- ²¹ N. Lustig et al
- ^{۲۲} M. Woodford
- ^{۲۳} J. Tinbergen
- ^{۲۴} R. N. Cooper (1969)
- ²⁵ M. Dahan
- ²⁶ Carpenter et al.
- ^{۲۷} W. H Branson 1989
- ^{۲۸} Aye et al
- ²⁹ Taghizadeh-Hesary et al
- ³⁰ Balseven and Tugcu
- ³¹ Dosi et al.
- ³² agent-based Keynesian model
- ³³ I. Artha
- ³⁴ C. Sims
- ³⁵ P. Režábek

Investigating the Simultaneous Impact of Monetary and Financial Policies on Income Inequality in Iran

Seyed Javad Emadi¹, Mahdi Jafari², Esmaeel Ramadanpou³

Abstractc

Appropriate fiscal and monetary policies affect income inequality in different ways, and this relationship has been confirmed both directly and indirectly in numerous empirical studies. Implementing inappropriate fiscal and monetary policies will have irreparable detrimental effects on income inequalities. Therefore, identifying a consistent path to combination of fiscal and monetary policies minimizes external effects and the adverse effects of monetary and fiscal policies on the income inequalities. Therefore, designing and implementing monetary and fiscal policies to reduce income inequality seems necessary. This study investigates the simultaneous impact of monetary and fiscal policies on income inequality in Iran during 1978-2017 using the ARDL method. The results show that in the short and long term, increase in money supply, inflation rate, exchange rate, Interest rates of long-term deposits, government expenditures lead to rising of income inequality and increase in tax revenues reduce income inequality. The adjustment power of the model is also 59 percent.

Keywords: optimal mix, income inequality, fiscal policy, monetary policy.

JEL Classification: E26, E52, D33.

¹ Teacher of rahbord shomal university, Ph.D of Economics of Mofid University (Corresponding Author).

j.emadi.p@gmail.com

² Assistant Professor of Tolou-e-Mehr Non-profit Institute of Higher Education, Qom. mahdi.jfr@gmail.com

³ Assistant Professor of Economics, Faculty of Humanities, University of Guilan. esmaeel_ramazanpoor@yahoo.com